



T. C. BAŞBAKANLIK OSMANLI ARŞİVİ DAİRE BAŞKANLIĞI	
Tasnifin Cinsi :	AMKT
Tarihi:	1260. 8. 11
Vesika Adedi:	18
Dosya No.:	15
Vesika No.:	72
Orjinal kayıt / Tasnif No.:	
Depo No.:	
Oda No.:	
Blok No.:	



فکلی عالی خدای چنانچه برین معوضه به مقدار برید که
 انکسای تعمیرده نظارت بک اندوه بار اده سبط اور اولیوم قدس شریفه تمامه کعبانک قدسه و در
 در هر طرفین برینه نولسه جانب عیار بون رحمت و بر لیکم فرانسفارتی طرفین فکلی عالی استکال برینه نظار
 بدونه بیدانه: مذکوره ده جزوی و کلی تعمیر توئی تجویز الیمه رده شاید بشی انضا ایلمدی حالک صبا اشعار
 داشته ای لکنی و فرانسفارتی روحی مقدسکی در بیلانخ ااده سینه ناک خلوتی حکمت تجویز الیمه رده لکن
 لادونک اطلسه وقتا لکنی امر بر فضا و زمانه و شهادی دهه زب ورود و مال مالیسی هیمنه لکنه بک
 اولیوم مقدسه با اعلام و قدس شریف و نابلیسی و غیره سماقدی طرفی حیدرانا بنه لکن غیر ایلمه
 عضکی عاقلانه بیانه توئی و بعد ذکر انکله طاسر قد: مذکوره ده در کسج ایلمه سالفال ذکر نامه
 فیجسی زعمی از کبری شرف کمدت در کسج اولیوم نامه مقوله در فرج اهدینه فصوص مشغول بکار بک
 قدسه ماعد ساز شرف اولیوم بر لکن غیری و در هر طرف بر کسج اولیوم در کسج ایلمه لکنی نظر الیوم
 مذکوره به در فرج اهدینه فصوص مشغول بر کسج اولیوم در کسج ایلمه لکنی نظر الیوم
 بر وجه ااده سینه تقدی و بیلانخ ااده سینه ناک معاری حکمت تجویز الیمه رده و بدونه حکم اولیوم
 اراده عالیه در هر طرف کای عالی بنه استیانه قدسغه در فرانسفارتی مرسول نامه توئی و معلوم از هر طرف
 بورد لکنی و بعد مقدسه قد: مذکوره ده در کسج اولیوم در کسج ایلمه لکنی نظر الیوم
 صفی لکنی من قدسه در هیچ برینک طرفین ایلمه رده سینه ااده سینه ناک معاری حکمت تجویز الیمه رده
 نظیم و کبریم اولیوم ازین مناسبتی طرفه صد زینا حقان افان اطلسه مادریه و در کسج اولیوم در کسج ایلمه
 و لکنی ناک مالیسی و بعد ملاد در کسج اولیوم در کسج ایلمه لکنی نظر الیوم در کسج ایلمه لکنی نظر الیوم
 جمع بندی و در هر طرف مقدم ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه
 قبل قول ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه
 بر کسج اولیوم در کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه ناک کسج ایلمه

ک
 حیدر
 ۱۲





معرضه بیخ کنده لریک

نفا ارسال سوی مگری جو بولونه تحریریه عالی لریک و نقله قیودانه یا شاه طبریزیه اعطا و فرسخ کانه فامه کلیسی در فرسخ بولک فیه الترح فیه طبعی
 نعمه انظاره مملک جزه و کل نمبر از آن استبداد اولمقرنیه یا بدلیسی نبی سانه داز سعادت و نوانه اقدی بیخ لریه اولاده امرانه عبد لریک بعث اوسا
 فیه و صلابتی مثل اذیمه سرفور و ابدینه تحریریه سنبلریه جویا با قیودانه یا شاه طبریزیه اولاده تحریریه عالی لری برآید اعطا اولمقره و اذی موی البره
 اولاده امرانه سنبلری دخی بوندیه بولم اسر سبله اجهو بلان لری بالاستحصال صوبه اصفهان لریه ارسال فله منجی فخریه و اشعار و فلسفیه بی امرانه نیکو
 موی الیه نالی اذی طریقه ارسال و نیار و ایجاب و جهله کیفیه طبع و نگریزه دخی فخریه و اشعار اولمقره ایدوکننده طبعه اشعار سابلری اوزع هرکته
 و فیه ابع هرکته داز فیکای سنبلریه تقدیم اولمقره اوزع و رود ابدینه عربیه بی نفا تقدیم فلسفه ابدی افاده که در بعضی ناکبر اخلص و فیه و صمیم
 اولمقره بی نفع لری حدالوصول مخط علم عالی اصفهان لری جو لرونق ابطبع اولاده و همزمان هم نزلند



کتابخانه



فکای حضرت زوی الخمدینه موصوفه بنج بقدر لیرود که

معلوم علم لرای دلی سعیدی بود لای اذره قدس شریفه که شریفه المکتب است دوم و در وی سنی
 بنده واقع اولوب منجحه نوبه و زاری کما علی سینه استیدانینا ما عاندک اولی بر زده ابدیه در و در
 قدس شریفه نوبه ای استمانده اولی در زینه صحت و بها ایسکه اولی بر زاری نثار بود بی صفتی
 و در غم زینک اناده نه کوره فرار مذکور دلی قوه قریبه ده بود لای جریه اگر چه خصص مذکور
 بطرفه حواله اولی ایستی قطع ایله سر لای سینه درک نوبه ای راده بود لای خالک دلی
 نه در و در رضی و طیب قدس شریفه نطقی صدر یا نانه لای مداندی زایمیدیک کور دنات
 ظمینه سنی فح و بیخ و عدا بدید صحت مذنب قاله نه منازعه مذکوره ناک سر لای نطق
 نوبه و زاری مکه الهیوس با اضره نطق عالی بی بهب و نکور ابدیه آیت عجزه و منسحب
 الهی سینه بنول محرم صحت حواله بود یلورای محذورات مذکوره بالمطالع ظهور ابدیه جاک
 اورده عالی ناک اولی جبهه نوبه بودی و یا کراری بدین آقامم بانکه ماکولات و صراف
 نیک ریجوز در و در طرفه ماهیه شریفه مذکوره اگر چه خصصی نوبه ابدیه قدس شریفه اسرارک
 برها صفتی دگر ایشو مدید بولون در عادات نه خانه لیر کون حواله نطق ماکولات
 و بنفانه بیکانک صراف مزوره لینه و فایدیزم در هر ده اولی در و در لک مزوری اولی قبه ناک
 تعمیر ماده سی کبریه نالیعی نوبه نه عدا بدین انفعال و نواج اعذار و هیج سرشته : فقال ایله
 بر فلک و نعلینا و جراه و اجری ماهیه مذکوره لهما و شد و مود موده الهی جفدی و لیل الهی بعد تقالوت
 بانوی سنی وضاحت اولی مع هذا انتم ابعنه به قریب یکدی محمد و شفقه و با صفا و روحانیم
 خت تکله و گرفتار بود لایم عذاب درون نوبه تکله نظر شاید و بر زاری نوبه لایم صراف الهی
 بلا نوبه و مضاعف عین نوبه سی در کار ذات و اسم سمات و الخ سعیدی اولی و اضره نطق سینه سینه
 هر صافی هر دری ناده مجبور اولی نیک انکار الخ لک ببلایک واقع اولی و صود عجزه ای لطفه و اضا
 بالفق اولی نوبه ابره نانه عالی دینه نوبه انسی لای اجرای هم عالی دری سبزل بود لینه بانده
 امر و نواج طرفه سینه الامتور خدی

ک



معدوم به بیع لبرور که

در صورتی که در واقع قائم کلیسای سده دینگری در علم نیکوگری محاکم دینگری حاضرند و در صورتی که در این طرفین برین وضع الحاق
 اولاد غیر ماده شده اند در صورتی که در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 رعایای که هم در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 طرفین در واقع اولاد سینه و فوسوس و کماله حاضرند در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 سند از صوب عالی کریم خان در اولاد که این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 سوی عجز که در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 خلاف عیود و شروط حالانده اند این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 و شامه اظه که معاملانده نظر فوسوس مدعی این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 ای بی که هم در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
 مطع عالم عالی اصفان لری بویله در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین



ای بی که هم در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین
مطع عالم عالی اصفان لری بویله در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین در این طرفین

فرانس بادشاهشک در طلبه مقيم فرانس برك اليهين بارون ده بوقينه داهيلر يک تقييرير
٦٠٠٠٠٠



بوزن اقوم عقد و محلا تعبير اولدان مودك مذكور البري اوزر فرانس بوي تا بع اولك راهبلك قدس شريف واقم ضبط و
تصرفلك بولان محلا مرور زمان ايله خرابه شرف اولمامه احتياطي ايجون تعبيره محتاج البروك استاء سعادتك مقيم فرانس
اياكسك انكامله صنع شرف اوزر تعبير قضى بابت افضا اين اوارك مذكور دكتر اولوسا فرانس اولوسا دولت و قنات و
حكاه و ساوضا مطان طرفلر بر ملاه ممانعت اقبه ديوعه اناو مذكور مذكور مطور بولديغه قدس شريف كائن تمامه كتب انك
سوك قبه شرف خراب اولمور اوزر بورتا تعبير محتاج ايدوك بولمور وارد اولك تعبيرت انما قلدر فقه بناه محل مذكورك بولكش
ولمعاينه سايف شرف اولك قنك راهبلى طرفلر تعبير و تميم ائمنه ممانعت و توجه كتب مذكور بابت افضا انما خطا
بصطحت و بنت مليشان امده رواعطاي خصصه هم برلى شامان بولمور مواله داهيلر استعنا و تقييرير





فراغ بود تا مع اولده راهبارك نس شيفده دفع ضبط و نظارت بوندت مكار مردود اوقات بقره صرف اولامه اصنام
 اجوت نغميره مجمع اولدهده اساز سادتمده مقبر فرج الماسله مع شرح اوده نغميره نس برك انضام بان
 اولامك صدرى جان اولوب و قلا اولان خصصه ولده و قضاة و حكام و سائر ضابطات طابرتك برود بومواقت
 اولميه و ذكر اولميه مكار اجوت ضابطه نغميره نغميره اولميه دولسته ده بر قاع دفع بكار اولميه و اهبارى نغميره اولميه
 بنا عليه اولميه بوندت ولده و حكام و قضاة و سائر ضابطات جان بوندت نغميره نغميره اولميه اولميه
 و سائر كليد و زمانه قاهارى سنه ده فقط برده بكار اولميه و مكار كمرو بونده بولميه فرج اولميه اولميه
 تا مع اولده بغير سارى و اهبارى كند و طابرتك اولميه نغميره اولميه و بولميه اولميه كليد لر و سائر سكره اولميه
 مكارده مكارى اوده ابلد برك اجرانه ممانف اولميه



نظارت امور خارجیه مقام جلالتی طرف بر رعیت اوله کیوب بود و فرزند شریف و توغیون اوله اولاد خدایمانی حاکم و در مقام خدمت فی تقسیم المیزان
 دولت علیه جایزند هر بار ایران سیرید و خود رکبیه به اتمام حشمت او فرس بارش می حضرت بیک و کلاسی آسوده حال و مطمین البالی اوقاف طرف
 اول خود رکبیه دهانکه اسلذ و کلا دولت و معصومان ملت بملل از به بالکنار سلطنت سینه نیک فرس و دلی حقنه در کار اوله خلوص و خضوعت
 دلایل و افضله خدمت خود و شمار فائز ایمن فرس شریف مأمور بود که نالی افندیکن اوضاع اجمالی تأمینات نکند که یکلی فانی و در حکم تسبیحات
 جسمیه ایجاب اید بیرون احوال مزبور در اثر موکرم و منتقم اکثر مرام بولین الهامی اید سز و کلا سلطنت سینه حضرتان باری مأمور بود دولت
 کونج صورت قانع و بود کسید فرس شریف خدیو و دفته اصلاح اید حکمت اخبار مذکور در نشأت اید حکم آثار موصوفتک انظار فی مسائل
 اولور و الی حسنه ریغ بولین اید بولین سالی اکثر خود رکبیه اید عهد و شرطک تقضی و عدم تقضی خصوصیه ده مرتبه بر مأمور
 دست احتیاط بر افکندن دولت علیه نزدک و نه خدمت تجویز اوله با یاور کاندیدان بر دهانک بر صورتی نظارت جلالتی استالها اید
 تسلیم اید سز

کچن ماه ربیع الآخرک التیسنت قمرییه اطرافه کی انبیه در از وقتاً بر بیان طاشی و در حکم رومار بالا استقلال مزبور طاشی سینه برینه توغیون
 استیکرته اول اعان و نیک هسانی و فرزند او نه شکی بله قمرییه به فعلاً بر وجه اشتراک تصرف ایدن ملل ثلثه نصار ایدن مال اوله
 طاشی کلا سینه توغیون شریک اوله فی العس ایدله صورت العملی حیدر بانا صفر فرخ و رومار افان اوله وقت پشای سولای قیضتی
 بالنسب اید باب و فرزند سید تقفاً حکم ایدله جگنی بیان و رومار فرخ در علیه کاشن بطریقینه مراجعه محتاج اوله طرفی
 اعلان ایدله سید ده ایدنی کمر فرسک بشی نظای قمر لکه اوله قدرت مأمور بود که خواجگانک بر و کلا حاض اوله در وقت
 طرفین در وقت طاشی سینه وضع اوله وقت ایدن اخبار ایدلک نشی قرضی حلا پشای سولای ایدله با نمانه اخطا سز بر وقت
 ایدلک بشقه بر وجه تحریر نظای اوضاع صورت قبول اوله مدنی تقیید همان استعلام اوله سینه و جزئی اخطار و فرسک هسانک
 حمایتی عمود مشی مقتضایکند اوله کله بومار باقی امور اخلایک طرف اوله در مصالحه و بوقتیقیردن ایدنی اشعار ایدله سزای سولای
 جوابده خراجکار سولای مخصوصاً اوله سزای سینه مرضی اوله فیدن کسورک مدخله ایدم حکم فرس افان ایدلک سزای
 ناچار قرضی عمود و شرطک خدای دولت علیه نیک و خود سینه سزای سزای اوله کیفیت مشروحه طولای سزای بر طبع بر وقت قلمه المعه
 بجز اوله سز

خازن دولتی سفارت با سه ترجمان موسی قورق و طاهر شایران ایلیسی بارونه او بود که طرفین بدین سزا بود قریه درت ستمی هر یک از آنکس یکدیگر را
و بدین نامه تعیین آنکس بر کوه سید



بوده قریه وقوع اوله کیفیت دارن دولتی وقتاً پیش طرفینک طرفه ارسوله بود قریه مکتوبه وقوعت در کوه نیک اول امرم خازن دولتی واقع اوله قریه
تخصیص بادی اوله ابرام ایلی مشکی و موسی اوله برسد نیک قریه صورتی حدی و موسی بانی در کار اوله مستقیم الهی کجا موجود بود ایلی استکاره
و معاهده نیک ایلی نیک استکاره اوله بالفق طرف اوله قریه حدی مقدس نیک تغییر احتیاطیک بالاسننا یا کار رودن تخصیص دارن به سزا بود قریه قریه
صادر اوله قریه ایلی نیک نایب اجلاس طرفین خازن دولتی معاهدات موجوده نیک سکر ایلی حدی عام سنه استاراً واسطه عاجله معده او ایلی ایلی
حدی مذکور ایلی بود طرف اوله در باغچه بزی مشکونه دوچار ایلی حدی اوله نایب باغچه معوضت اوله برسد نیک نگاه ستمیده حدی
در پیسه اوله معوضت کورینور خالیک در طرفینک خازن دولتی سفارت وقت وقوع کلاه مواعده رسمی اخلاق اوله و بکیشیک نایب تخصیص
طرفین واقع اوله و دولتی نایب طرفین دولتی معوضت بیورمه اوله قریه و عقبت لها اوله اوله ارفه طرفین از ایلام اوله برشین لقب ایلام
مجبوری کی مشکی و موسی اوله برهاد ایلی اکف ایلی هم نایب عود و سزا و طلق سکر ایلی حدی عام سنه معوضت قریه حدی مقدس دارن اوله
بوده جمع معوضت و اعتبارت نیک مالک اوله اوله واقع اوله اشبه ایلی سکر کلای دولتی معوضت عزم اوله دولتی معوضت نایب طرفین
نایب ایلی سکر و نوبت بالاطراف ایضا معوضت سرد و بارانیه ایلی اوله واقع اوله معوضت معوضت در کار اوله اوله اوله اوله
و معوضت نایب طرفین معوضت ایلی سکر هم که بود که نه بالاعلامه بر اوله نایب باقیه اوله معوضت معوضت در کار اوله اوله اوله
بیان ایلی اشبه تعیینت سزا طرفین ایلی و تقدیر جهت ایلی سکر



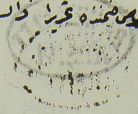
نزد سعادت بن یوسف و بیارہ منشی اولیٰ اوزرہ دولت علیہ عثمانیہ ایام دولت خیمہ فرانسویہ بپندہ انعقاد پذیر ہوئے و قرار اولادہ عبدالنامہ الہی پور
 سرور مرعینی محظوظ و قیام و اجابہ امور وہ ولایتی نفع سیدہ کرک کند ولایتی محض اولادہ و کرک سز و روم و ارمنی ملکہ بدم مشرک بوسف
 زیارہ کلایں حمایہ و محظوظ عبدالنامہ مذکور سرور طرہ سیدہ بپندہ اولادہ فرانس و عبدالنامہ الہی پور حکمانہ منافی بولنا اھربہ خصوصہ کہ کمالہ احساب
 و اھزار ایامک و طہرہ رفت مأمورین بولایت بنا دولت علیہ عثمانیہ رضی فرانس و سیدہ بپندہ سرور رجبہ حصول اولادہ و لایقہ و اتحادیہ بنائید و بنا
 بہ الدولتہ سھق اولادہ عبور و سرورلی صیات و محظوظ بپندہ اولادہ فرانس و بپندہ سرور طرہ سیدہ بپندہ سرور اولادہ
 مجر مذکور کیفیت سھق یعنی کند و کذب می دستوری بوضہ بعضہ خصوصہ منی روم علی رھبان بپندہ صیفہ سیدہ می سھق اولادہ صقیف کیفیت معلوم
 و مجر خط مبروری برین وضع و ارجاع ایلمک و دوسر مراد ایلمک حاج بابو کہ فرستید مذکور لایقہ و روم و ارمنی ملکہ بپندہ مشرک اولادہ سھق
 لایقہ کہ نفسی روم بولید مجر مذکور کند و کذب برین وضع ایلمک برینت ایلمکری و محل مذکور مللا مرقوم بپندہ مشرک بولایتی طرہ سیدہ
 افغان مقرر و واقع قبر مذکور کہ نفع مرقوم بپندہ مشرک اولادہ فرانس و رضی مشرک اولادہ مذکور کہ کمالہ احساب
 روم ملی حقونہ تانہ مشرک یہ احاطہ نظر مراعاتہ امیرک زیارہ کلایں حمایہ بپندہ سرور لایقہ و رضی مشرک اولادہ سھق اولادہ
 ناز اندیک سھق سیدہ و دوسر طرہ سھق خود مجر مذکور محلہ وضع اولادہ اعدی امور و الحمد للہ کہ دولت علیہ اولادہ خصوصہ مجموع اولادہ
 برینک حقونہ مجموعی سھق کند ولایتی سھق بپندہ نامیا ملی مشرک تقویٰ خصوصہ مللا مذکور رہ برین تخصیص و اخصاری عدل و ارضام و غنایہ
 لھوین سھق زیارہ قدیمہ اماکی بارہ سھق اولادہ سرور طرہ سھق اولادہ فرانس و رضی مشرک اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ
 حصہ و اقل سہی وقوعہ قدر ملک و توقیفہ منشی طرف سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ
 طرہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ
 اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ
 سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ
 بیارہ و اقل سہی وقوعہ قدر ملک و توقیفہ منشی طرف سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ سھق اولادہ

فانرا بکسی موسیو بونک طایفه بدین سبب بود که درت سنی شد جزایانک اولدینس تا بقصد با سه ترجمه موسیو فوت و بر بلده بر فطم تعلیماتک
ترجمه



کجه س و قوعولانه قدسی حدس سوزت و اخر لر نوله طوایف حقیرت ترجمه جزا اوشه اولاده بر جود اشخاصک الحاکمه در جوار اولد قضا محازات بر نایب قاری
حفظ رفت یازده هجری سنه افاد ایسه اولد قاری نوله بدین بوی ارزو اجماع ایبریت منقاد بوشانه اشخاصه قضا بونک تعین مجازات حفظ
اولدین قدس بوشانه فانی قونلوس بنده زیاد قضیه ایسه بد کلنده قونلوس موهله طایفه طوعید به طوعید اشعارات درود انجمنه بویات
بر کوه قاره قشبت ایسه مزایدم بود فقم قونلوس موهله مألوف اولدین اعتدال قراجه بر دین عید اراز اولدیم معیت مؤذرن بونک به ضواله قضا
سببه مقصود واقع اولاده القای کذب ایدرک طاهرافقه دوز دار احمد اعای شریاده عفو اولوه اوزده قیسمه و اشعار ایسه اولدیننده مؤذره
حقیرت ترجمه اولاده مجازاتک عفو خطبه فانی سفار طایفه بر کوه مخالفت وقوع کلمه کلین بر کوه ایله قضیه افاد بر کوه ایله
و صدیک بونک عفو و اطلاق ایستدای ایسه اولدین ذی الصلوه و العافی حقیرت مؤذرا مؤذره بونک بوجه اسباب شکایت سبب و بر سه اولد
جبه بر کوه ایله قاری و قزار ایسه هم قضا یا شرف ایله حقیرت بونک طور و حرکتی بکاسریت و بر دین تقدیر حاکم بونک اصلاح و عید
بقصد ای مقصد بولر حقیرت افاد به بادت ایله سکن

ذکر عانی ^۵ خصوصاً مکنده قیصر و از فلسفه و علمی تقسیم فنون علوم بوده



قدس زینبده کاشانه اولوب در علمی طرفندن انسانی تئیر در مکنده نظامی اتمک اوردنه
اولدینیم فاسه کلیسند و نوع تجریمی علم نظام مملک دیواری فاجندن بر طبقه اوله
دویمه اوله سه مفاهاه اینه صفت فوئله طرف دوستا زندن اینه ایتمه دان
فودن بود برینه صنع انجلیسه ذکر انجلیسه برندن جیفا یولوه نپهره بر طبقه اوله
دویمه اوله ای نادانی شیل بر طبقه مذکره مجازلی معلوم اولدینا انجلیسه ذکر انجلیسه
فوله کلیسند فرنج اهدینه مخلص وینقل اوله مواضعندن مطالب مملک تئیر
صفت فوئله اعطای اوله عالی و فزاد انصندن و حالیکه سه دریمه اوله
معلوم مجازلی اولدینا بله فرنج اهدینه مخلص اوله مملکه برکوه مملکه و فوئله اوله
اشاره اینه

قس على بيت وحق فترسا السبع كقولهم في حقهم فترسا وحقهم فترسا وحقهم فترسا
 اوله بفتح فترسة فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 وكان وضعها في حق كذا وهما في البيع جميعا بفتح فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 كان علمه فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 يا اجل على ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 المضاف له ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 ونتم على ذلك الموضع يا جفا بفتح فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 وحق فترسا وحق فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 العاج في العمل وحق فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 اعمان الذي هو من طرف الحق في حقهم فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 التي هي في ذلك الموضع يا جفا بفتح فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 العمل فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها
 ايضا فترسا ان اوجب بطل سقدرة لم يخلو وقصا من عملها الكافية فيه مجيلا بالقبول وتلك كذا لا ارجح وانطقنا نارة عملها



Robert Hamilton

L'Office Consul.
Beirut

